

تفسیر سورہ

مَاعُون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ ﴿۲﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ
 ﴿۳﴾ وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿۴﴾ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ
 ﴿۵﴾ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۶﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ
 ﴿۷﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

(۱) آیا کسی که قیامت را انکار می‌کند دیده‌ای؟ (۲) او همان کسی است که یتیم را با
 خشونت می‌راند. (۳) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. (۴) پس وای به
 حال نمازگزاران. (۵) آنان که از نمازشان غافلند. (۶) آنان که پیوسته ریا می‌کنند.
 (۷) و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می‌دارند.

نکته‌ها:

- این سوره سیمای افراد منفی را معرفی می‌کند:
- کسانی که نسبت به دین، دیدگاه منفی دارند. ﴿يُكَذِّبُ بِالْدِينِ﴾
- نسبت به یتیم و مسکین منفی هستند و آنان را طرد می‌کنند. ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ﴾
- در عبادت و نماز منفی هستند و اخلاص ندارند. ﴿سَاهُونَ - يَرَاءُونَ﴾
- در خدمت به مردم منفی هستند. ﴿يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾
- مراد از «دین» در اینجا روز قیامت است، مانند «مالك يوم الدين»
- «دَعَّ» راندن همراه با خشونت و «حَضَّ» تشویق و ترغیب دیگران است.
- مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره، تکذیب قلبی است، نه قولی؛ زیرا مخاطب سوره،

کسانی هستند که نماز می‌خوانند ولی نمازشان همراه با ریا و خودنمایی و سهو و غفلت است.

■ «ماعون» از «معن» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می‌دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها.

■ دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدا نیست.

■ در روایات، «ساهون» به معنای سستی، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.^(۱)

■ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمایی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

■ در حدیث می‌خوانیم: کسی که از دادن لوازم منزل خود به همسایگان دریغ ورزد، خدا روز قیامت لطف خود را نسبت به او دریغ خواهد کرد.^(۲) البته در حدیث دیگری می‌خوانیم که پرسیدند: ما همسایگانی داریم که هرگاه وسائلی به آنان عاریه می‌دهیم، می‌شکنند یا خراب می‌کنند، آیا گناه است که به آنان ندهیم؟ حضرت فرمود: در این صورت مانعی ندارد.^(۳)

■ در حدیث می‌خوانیم: هر کس به اوقات نماز بی‌اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد.^(۴)

■ امام صادق علیه السلام فرمودند: ماعون، شامل قرض الحسنه و هر کار نیک درباره دیگران و در اختیار قراردادن وسایل خانه و از جمله زکات است.^(۵)

■ سنگدلی انسان به جائی می‌رسد که:

نسبت به سخت‌ترین نوع فقر که مسکین است.

نسبت به ضروری‌ترین نیاز که خوراک است.

آن هم به مقدار مصرف نه ذخیره.

نه خود اقدامی می‌کند و نه دیگران را تشویق می‌کند.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر کنزالدقائق.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. تفسیر نورالثقلین.

۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

نگاهی به مسئله ریا

ریا و شُعه دو خطر و آفت بزرگ هستند که افراد مؤمن را تهدید می‌کند. ریا آن است که انسان کاری را برای دیدن مردم انجام دهد و شُعه آن است که کاری را بجا آورد و هدفش آن باشد که کارش به گوش مردم برسد. این دو کار از نشانه‌های نفاق است. چنانکه قرآن درباره منافقان می‌فرماید: ﴿اِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ﴾^(۱) چون به نماز می‌ایستند، نمازشان با کسالت و ریاکاری است، همان گونه که به دیگران کمک نمی‌کنند مگر در حال کراهت و نارضایتی. ﴿وَلَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَهْمَ كَارِهُونَ﴾^(۲)

بر اساس روایات، ریاکار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد؛ در ظاهر اهل خشوع و تواضع است، ولی در باطن دست از گناه بر نمی‌دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آنکه از دنیا آخرت را بدست آورد، از آخرت به سراغ دنیا می‌رود و از پرده‌پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: سخت‌ترین عذاب‌ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان‌ها را بالا می‌برند، ولی خطاب می‌رسد: هدفش خدا نبوده است، آن را برگردانید.

در فرهنگ اسلامی، ریا، نوعی شرک است و امام صادق علیه السلام درباره کسی که عمل نیکی انجام دهد، اما نه برای خدا، بلکه برای اینکه مردم بشنوند و او را ستایش کنند، فرمود: او مشرک است، سپس آیه ﴿لَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^(۳) را تلاوت فرمود.^(۴)

علامت ریاکار آن است که اگر ستایش شود کار نیکش را توسعه می‌دهد و اگر ستایش نشود از کار خود می‌کاهد. ناگفته نماند که این همه توییح و انتقاد برای کسانی است که از ابتدا، کار را برای غیر خداوند انجام می‌دهند، ولی اگر انسان از آغاز هدفی جز خداوند نداشت، و مردم از کار او آگاه شدند، مانعی ندارد. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ کس نیست مگر آنکه دوست دارد خوبی‌هایش در مردم ظاهر شود، به شرط آنکه از ابتدا نیت او مردم نباشد. «اِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ»^(۵)

۱. نساء، ۱۴۳.

۲. توبه، ۵۴.

۳. کهف، ۱۱۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۵. مجموعه روایات، از میزان الحکمة بحث ریا.

اخلاص

در برابر ریا و سمعه، اخلاص است که در حدیث می‌خوانیم: خداوند جز خالصان را نمی‌پذیرد ﴿إِلَّا لِلَّهِ الدِّينَ الْخَالِصَ﴾^(۱) و هر کس چهل روز خود را خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب او به زبانش جاری می‌شود. «من اخلص لله اربعین صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه الى لسانه»^(۲) و نشانه ایمان کامل آن است که حُب و بغض و بخشیدن و نبخشیدن برای خدا باشد و افضل عبادت اخلاص است و از فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که فرمود: «من أصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله عزّ وجلّ افضل مصلحته»^(۳) هر کس عبادت خالص به درگاه خداوند فرستاد، خداوند بهترین مصلحت او را برایش نازل می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان، امری شگفت‌آور و جای سؤال است. ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي﴾
- ۲- طرد یتیم انسان را از خدا دور می‌کند. ﴿يَكْذِبُ بِالذِّينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾
- ۳- نشانه ایمان، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هر کس بی‌توجه باشد بی‌دین است. ﴿يَكْذِبُ بِالذِّينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾
- ۴- میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. (مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می‌دهد). ﴿يَكْذِبُ بِالذِّينِ... يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾
- ۵- نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ... طَعَامَ الْمَسْكِينِ﴾
- ۶- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ﴾
- ۷- سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی‌اعتنائی باشد، سرزنش دارد. ﴿عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾

۱. زمر، ۳. ۲. جامع الاخبار، ص ۹۴. ۳. بحار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

- ۸- سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. «عن صلاتهم» (نه «فی صلاتهم»)
- ۹- خطر آنجاست که کار زشت سیره دائمی انسان شود. «یکذب... یدع... لا یحص» (قالب فعل مضارع بیانگر استمرار کار است)
- ۱۰- اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. «فویل للمصلین الذین... یراءون»
- ۱۱- اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گرچه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. «لا یحص علی طعام المسکین»
- ۱۲- کسی که گاهی از نماز غافل می شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! «فویل للمصلین... عن صلاتهم ساهون»
- ۱۳- بی تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کیفر دارد. «فویل للمصلین... ینعون الماعون»
- ۱۴- خدمت به مردم در کنار نماز است. «فویل للمصلین... ینعون الماعون»
- ۱۵- غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. «عن صلواتهم ساهون... ینعون الماعون»
- ۱۶- بی اعتنائی به گرسنگان، نشانه بی اعتقادی به قیامت است. «یکذب بالذین... و لا یحص علی طعام المسکین»^(۱)
- ۱۷- سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می شود و قابل جبران است. «عن صلاتهم ساهون»
- ۱۸- افرادی که از خدا جدا شوند، به دنبال کسب جایگاهی در نزد دیگران با ریا کاری هستند. «یکذب... یراءون»
- ۱۹- بخل، ویژگی منکران معاد است، که حتی از عاریه دادن چیزهای کوچک و ناچیز بخل می ورزند. «یکذب... ینعون الماعون»
- «والحمد لله رب العالمین»